

بررسی نمائیکامبر از مفرغهای لرستان در موزه (لوور)

نمایشگاه مفرغهای لرستان از مجموعه آقای کوآفارد سفیر کبیر سابق فرانسه در ایران در سال ۱۹۶۳ در موزه «لوور» تشکیل شد. همزمان با تشکیل نمایشگاه مزبور آقای تجویدی که در آن هنگام در فرانسه اقامت داشت مقاله زیر را بمناسبت اهمیت موضوع تهیه کرد که اینک بنظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

اکبر تجویدی

نمونه آنرا برای آگاهی خوانندگان ارجمند به چاپ میرسانیم. امروزه روشن شده است که این سنجاق‌ها را بعنوان نیاز به دیوار پرستشگاه میکوبیده‌اند.

از نظر آفرینش هنری و گونه‌گونگی بی‌اندازه و همچنین قدرت بیان آنقدر این اشیاء خرد درخور توجه‌اند که بی‌شک میتوان هر يك از کوچکترین آثار که بیش از پهنای دست آدمی درشتی نداشته باشد بایک‌رهای ممتاز و شگرف هنری جهان سنجیده و چه بسا در این سنجش، برتری از آن مفرغهای لرستان باشد و نکته دیگری که باز درخور اندیشه است آنکه تناسب سازی و رعایت فنی پدید کردن توازن باندازه‌ای در این آثار مراعات شده است که اگر هر يك از آنها را تأیید از پنجاه برابر بزرگتر پدید کنیم باز تناسب آن از دست نخواهد رفت و در کمتر از آثار هنری جهان این نکته مصداق پیدا کرده است.

برای آنکه خوانندگان ارجمند را با این مجموعه آشنا سازیم نمونه‌های گوناگونی از این آثار را برگزیده‌ایم که آنها را ضمن تصویرهای زیرین بررسی خواهیم کرد.

تصویر شماره (۱) که یکی از دو بخش پهلویی دهانه اسب است مردی را نشان میدهد که برگردیده دو حیوان شیرمانند که بهم چسبیده‌اند سوار است و بادلیری با هر يك از دستان خویش پوزه حیوان را گرفته است و وی را رام ساخته است. باتوجه

۱ - در سال ۱۹۵۸ موزه لوور پاریس مجموعه‌ای از این مفرغ‌ها را که بیش از یازصد قطعه میباشد و به آقای ژاک کوآفارد (M. Jacques Coiffard) تعلق داشته است خریداری نمود و اکنون بیش از آنکه این مفرغ‌ها به دیگر آثار بخش مربوط موزه افزوده شود در تابستان امسال نمایشگاه باشکوهی از آنها بطور جداگانه در یکی از تالارهای موزه برپا کرده‌اند که هر بازدیدکننده‌ای را به حیرت وامیدارده و مورد تحسین فراوان هنرشناسان قرار گرفته است.

نزدیک چهل سال است که مردم جهان با مفرغهای لرستان آشنائی پیدا کرده‌اند و شاید در روزگار ما یکی از بزرگترین آرزوهای کسانی که به آثار باستانی دلبستگی دارند آن باشد که بتوانند يك یا چند نمونه از این مفرغ‌ها را در مجموعه‌ی خود نگاهداری نمایند.

بیشترینه این آثار رو به مرفته نمونه‌های کوچک پیکره‌های خیالی و افسانه آمیز و یا قطعات مربوط به لگام اسبان و دیگر اشیاء خرد مفرغی مانند آویزها و سنجاقها و دیگر اشیاء زینتی میباشد.

در باره کهنگی مفرغهای لرستان هنوز نمیتوان اظهار نظر قطعی نمود ولی آنچه تا کنون از بررسی‌های باستانشناسی برآمده آنکه این آثار متعلق به يك تیره‌ی ایرانی است که در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در بخشی از کوه‌های غربی ایران که امروزه تیره‌های لر در آنجا زیست میکنند زندگی میکردند. اینها مردمی سوارکار و جنگاور و هنرورانی زبردست و خوش ذوق بوده‌اند و چنین بنظر میرسد که مردمان امروزی لرستان دنباله‌ی همان نژاد کهن آنروزگار میباشد.

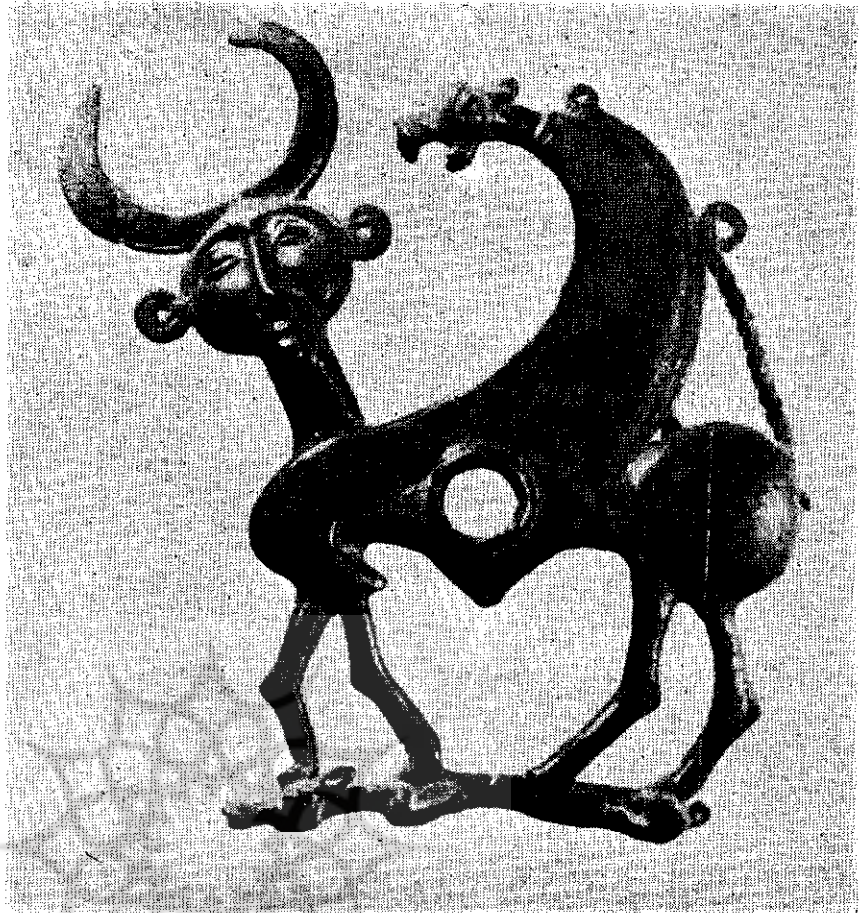
بخش بزرگی از مفرغهای لرستان از قبرها و آرامگاهها بدست آمده‌است و نشان میدهد که این مردم به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند و هنگام خاک سپردن مردگان، اشیاء مورد نیاز زیستن آنها را بهمراه بت‌های گوناگون که مورد پرستش بوده‌است در قبر می‌نهادند و معمولاً دهانه اسب را زیر سر وی میگذاشته‌اند. از این نمونه‌ها گذشته آثار فراوانی که هنوز نمیتوان با اطمینان از فایده‌ای که از آن میبردند سخن گفت، در پرستشگاه‌ها و دیگر بخشها بدست آمده که از همگی گونه‌های آن شناخته‌تر و زیباتر سنجاق‌های بلندی است که انتهای آن به صفحه دایره‌دار نقش‌داری پایان مییابد و در این گزارش چند



شکل ۱

و گردن و پاك شدگی بخش میان آنها مبین نیروی زوال ناپذیر پهلوان بشمار میرود . برای آنکه تسلط رب النوع به دو حیوان طرفین کاملاً روشن باشد همه‌ی نیروی وی در گردن و بازوان و بخش بالائی تنه قرار داده شده و پاها باعتبار اهمیت کمتر و ناچاری فنی از جهت کمی جا کوچکتر ساخته شده است و باین ترتیب همه توجه بیننده به بخش زیرین اندام رب النوع معطوف میگردد و از نظر تأثیر پذیری برای وی شکی در پیروزی رب النوع بر جانوران باقی نمیگذارد . برای آنکه این معنی بهتر بازگو شده باشد هنرمند کوشیده است که با کشیده ساختن و نازک کردن گردن جانور و نمایش زبونی در چشمان و پوزه وی بوسیله خط‌های پیچ دار پیروزی پهلوان را روشن‌تر نمایانده باشد . باین تمهید، بیجان‌ی پاهای جانور که مانند موم بر روی هم تاخوردیده است و با پاهای پهلوان تضاد شگرفی پدید کرده است اضافه گشته و این نکته بسیار درخور اندیشه است که پاهای جانور گرچه سبترتر از آن رب النوع ساخته شده ولی بر حسب معنایی که هنرمند از پدید کردن خطوط راست و بیان حال آن که بازگویی استواری

به يك سنت قدیمی دینی که بر روی مهرها و استوانه‌های شوش و بین النهرین فراوان مشاهده شده درمی یابیم که مرد سوار باید یکی از رب النوع‌های مورد پرستش آنروز گار باشد . پاره‌ای از خبرگان شکل‌های دینی کهن این دلاور را با گیل گمش پهلوان افسانه‌ای که چون هر کول داستانهای زیادی از جنگ با حیوانات و یا رام ساختن آنان دارد یکی دانسته اند ، همچنین میتوان بدلائلی این دلاور را با کیومرث یکی دانست ، ولی آنچه از نظر ما شایسته توجه است آنکه در پرداختن این اثر چنان مهارت فنی و هنری بکاررفته که هنوز هم میتواند پس از هزاران سال سرمشق هنر پژوهانی که در پی نوآوری هستند قرار گیرد : بخش میانی چهره‌ی دلاور که در میان دو خط بینی و دهان وی را از دیگر بخشهای صورت جدا کرده است به قیافه وی يك گونه حالت ارادی و توانا بخشیده که گویای قدرت درونی بی پایان او میباشد . چشم‌های نیم بسته بر روی يك برجستگی ملایم و ابروان بهم‌رفته به چهره‌ی رب النوع حالتی مرموز و فوق آدمی داده و او را و رای واقعیت‌های مادی قرار داده است . همچنین پیوستگی چانه

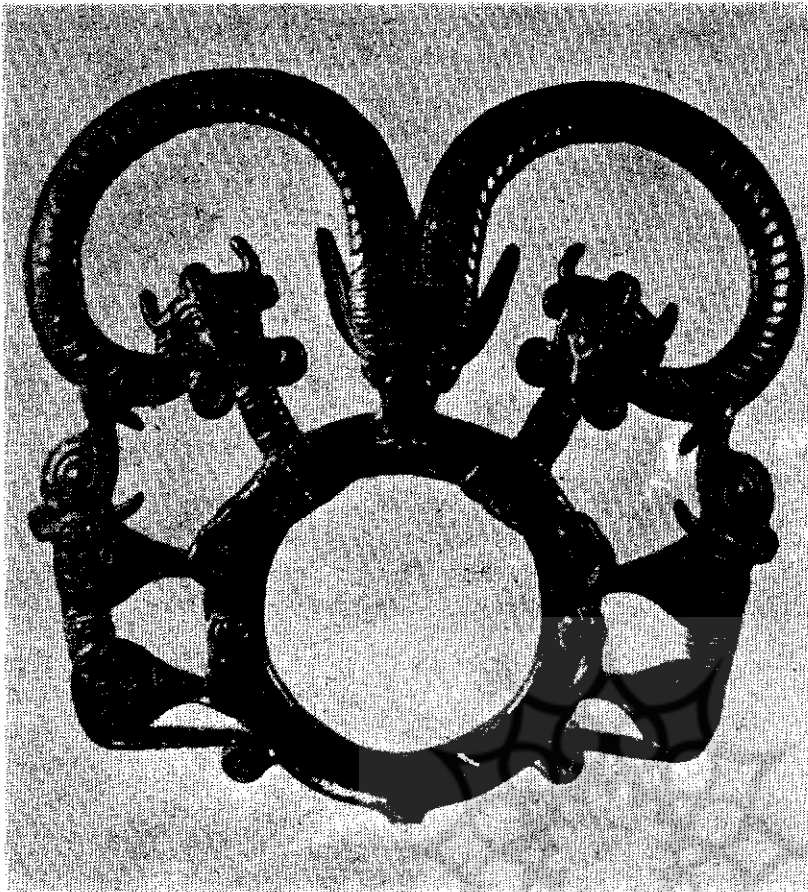


شکل ۲

هنری مهارت فنی شگرفی که در بیش از سه هزار سال پیش در پرده‌هاختن این مفرغ بکاررفته خود نیز از هر جهت دارای ارزش صنعتی است و بازگویی پیشرفت فوق‌العاده صنعت فلزکاری آن روزگاران در این بخش از ایران زمین می‌باشد.

شکل شماره (۲) نیز مربوط به دهانه اسب می‌باشد. بطوریکه دیده میشود این تصویر نمایش جاننداری خیالی است که سرانسانی باشاخهای گاو و اندامی شبیه بز دارد و در نخستین نگاه گاوهای بالدار دوران هخامنشیان را بیاد می‌آورد. گرچه این نقش در دورانهای کهن‌تر نیز با کم و بیش اختلاف مشاهده شده ولی با توجه به اینکه این اثر دست کم بیش از پانصد سال پیش از گاوهای بالدار کاخ «سارگن» در آشور پدیدگشته، این سؤال پیش می‌آید که آیا آثار هخامنشیان را با توجه بآنکه آنان دنباله‌ی همان نژاد ایرانی کهن هستند نباید صورت تکامل یافته پاره‌ای از مفرغهای لرستان دانست؟ و نیز اگر این نکته درخور تردید باشد لاقلاً میتوانیم از خود پرسیم آیا ممکن نیست هنرمندان پدیدکننده کاخ سارگن از آثار کهن ایرانی

و استحکام است و بهره‌گیری از بیان حال زیون‌نمای خط‌های پیچ‌دار و ناستوار، پاهای قهرمان خویش را جاندار تر و پر نیروتر نمایانده است. در تمام بخشهای پیکره، «رینم» ویژه‌ای پدیدگشته و همه جای آن با حفظ همین وزن بهم پیوستگی یافته است و بآن مهربانگی و هم‌جوشی خوشایندی زده است. از نظر هم‌گذاری «کمپوزیسیون» خطی که گردن جانوران را بزیر شکم آنان پیوند میدهد و دنباله آن در بالا از نوک شاخهای پهلوان میگذرد تمام این بخش را در دایره‌ای بی‌کم و کاست دربر میگیرد و بخش زیرین دایره بوسیله پاهای حیوانها بر روی مستطیل درازی که از بیرون با خط خارجی دایره هم‌پهن است قرار داده شده و این خود از بهترین راههای هم‌گذاری دوشکل با توسل به تصویرهای ساده هندسی است. با اندکی دقت روشن میگردد که در زیر پاهای شیران بوسیله خطی افقی شکل، آهویی زیون و بیچاره نقش گشته و در حقیقت امر موضوع جنگ رب‌النوع با جانوران جاننداری از حیوان ضعیف‌تر در برابر نیرومندتر است. خوبست یادآور شویم که گذشته از ارزشهای



شکل ۳

وسر حیوان زیرین با مهارت کامل فنی و همانند طبیعت ساخته شده و از نظر کالبدشناسی درست و بی‌عیب پدید شده و به این مفرغ مهر واقعیت زده است.

شاید جالب‌ترین نکته‌ای که در این اثر بتوان یادآوری کرد آنکه گاوهای انسان‌نمای پیکاسو نقاش بزرگ معاصر، بی‌کم و کاست شباهت تام، به این اثر دارد. کسی چه میداند شاید پیکاسو هیچگاه این مفرغ و یا نظایر آنرا ندیده باشد ولی بهر تقدیر هزاران نقش که تاکنون بر سفالها و یا پرده‌ها زده است آثارش را با نقشهای کهن و بویژه با این پدیده‌ها بیوند میدهد. آیا از دریچه یک بینش و سنجش کلی نمیتوان هنرهای تازه امروزی را بازگشت بجهان هنری پاک و غیرتصنعی و قدرتمند دنیای کهن دانست؟

در شکل شماره (۳) یکی از بهترین نمونه‌های این مفرغها را مشاهده میکنیم که چه از نظر هنری و چه از جهت تکامل فن مفرغ‌ریزی به بالاترین درجه کمال رسیده است. در بخش میانی، سر گاوی کوهی ساخته شده که شاخهای بی‌اندازه زیبا و خوش حرکت وی به کله‌ی دوانسان شاخدار پایان یافته است.

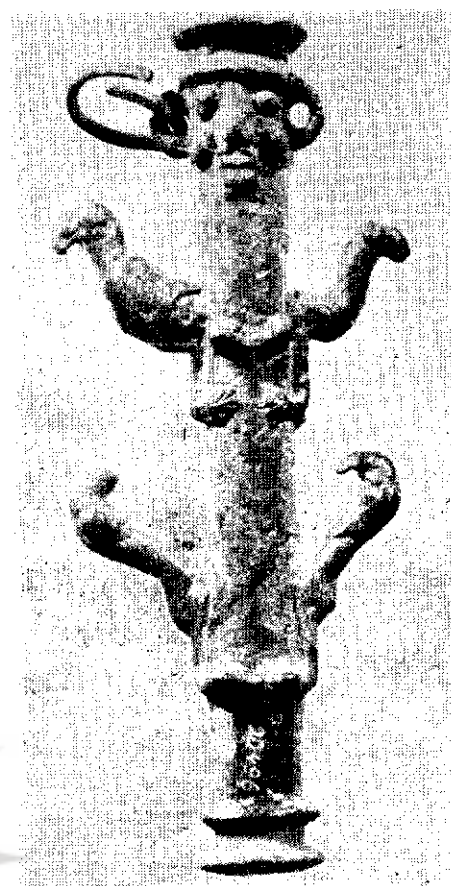
الهام گرفته باشند؟ بهر حال دریاره‌ی این نکات سخن بسیار میتوان گفت و بر دانشمندان باستانشناس ایرانیست که در این زمینه‌ها بررسی جداگانه نمایند و بسیاری از مسائل تاریک را روشن سازند.

همانگونه که مشاهده میشود بخش بالایی بال حیوان به سردرنده‌ای که دهان باز کرده است پایان می‌پذیرد و همچنین در زیرپاهای وی آهوی ناتوانی بر زمین نقش بسته است که نظیر چنین صحنه‌هایی را در آثار کهن‌تر فلات ایران و همچنین تمدن بین‌النهرین مشاهده میکنیم.

هم‌گذاری این مفرغ همچنانکه در بسیاری دیگر از این آثار بر پایه‌ی خطهای منحنی گذاشته شده: دایره‌های پدیدشده از شاخها، سر حیوان، کفل، بال و سوراخ صفحه، «ریم» کلی شکل را پایه‌گذاشته‌اند. سر حیوان بوسیله استوانه‌ای به اندامش وصل شده و در بریدگی بخش پیشین، بال مفصل گشته است. همچنین این نکته در خور یادآوری است که هنرمند با یافتن هم‌چندهای یکسان از نظر درشتی دوسر، جلو بال و کفل حیوان به تعادل زیبایی دست یافته است و نیز پاهای جانور



شکل ۵



شکل ۴

چگونه به دایره بستگی پیدا کرده : در اینجا هنرمند به متصل ساختن گردن به دایره بس نکرده بلکه با پدید کردن چند برجستگی در اطراف خط اتصال ، گره استوار بوجود آورده و گردن را در دایره قفل و بست ایجاد کرده است. این نکات و بسیاری دیگر از جمله تناوب بخشهای ساکن و آرام با بخشهای جنبش دار که بوسیله خطهای هم رو و سطوحهای صیقلی بوجود آمده و تناسب سازی بی اندازه باریک که در این مفرغ معمول گشته این اثر را بعنوان یکی از شاهکارهای جاویدان جهان هنر در آورده است . درباره ی بهره ای که از این مفرغ می برده اند با توجه به زائده ای که در پشت آن تعبیه شده آنرا آویز و یا نشان دانسته اند .

دیگر از انواع این مفرغها پیکره های جدا گانه اند که ظاهراً بر روی پایه ای قرار می گرفته اند و با آنها نام بت داده شده . همچنین پاره ای از اوقات با اینگونه بتها حلقه ای پیوست گشته که در آن حال میتوان پنداشت که آنرا به ترك اسب و یا کمر بند وغیره می بسته اند و برای در پناه بودن از زیانها به همراه داشته اند. شکل (۴) یکی از اینگونه بتها را معرفی مینماید که

با يك نظر میتوان حرکت شاخهای حیوان را با آنچه از این نوع بریدنه سفالهای شوش و دیگر حیوان سازیهای ایران باستان پدید گشته سنجش داد . در دو بخش پهلویی دایره ی میانی ، دو حیوان دیگر که سری شبیه پیل واندامی همانند پلنگ دارند قرار گرفته اند . تمهیدی که در اتصال سر این جانوران با شاخ گاو کوهی بکار رفته و طرح مارپیچی که پدید گشته همانست که در زمان ساسانیان با توسل به پیچک های از نوع برگ و ساقه کنگر ، و در دوره های بعد از تسلط عرب با نام اسلیمی در همه آثار معماری و صنایع دستی ایران زمین و دیگر کشورهای همجوار معمول گشته است . از نظر دانش هم گذاری (کمپوزسیون) دایره ی میانی ، حلقه ی اتصال دیگر طرحها قرار داده شده . جوانه ی اصلی ، بوسیله سر گاو از دایره جدا شده و پس از دور گرفتن در شاخها دوباره به هسته ی نخست باز گشته و از سوی دیگر بوسیله سر حیوانهای پهلویی بحرکت آمده و پس از چرخش لازم با دم این جانوران بدایره ی میانی مربوط گشته است . خوبست خوانندگان ارجحند را باین نکته آگاه سازیم که انتهای شاخهای گاو پس از پدید کردن سر انسان شاخدار ،

موضوع آن بنظر میرسد رب النوع پرنندگان باشد .

در شکل شماره (۵) سرانسان شاخداری را می بینیم که اندامش شکل استوانه میان تهی دارد که ممکنست بر روی میله ای نصب بوده و با جنبه ی دسته ی سنگ چاقو و غیره داشته . در هر حال آنچه درخور توجه است حالت فوق العاده گیرنده ای است که هنرمند باین پیکره ی کوچک داده و در روی نفخه زندگی دمیده است .

اکنونکه پاره ای از مفرغهای نمایشگاه لوور را شناختیم خوبست سراغ سنجاقهاییکه در آغاز این گفتار از آنها سخن داشتیم برویم و نمونه هایی چند از آنها را معرفی نماییم . تصویر شماره (۶) صفحه دایره وار یکی از این سنجاقها را نشان میدهد . همانطور که مشاهده میشود موضوع نقش رام کردن دو حیوان بدست انسانی است که پاهایش به سم منتهی میگردد . بطور کلی همی اینگونه نقشها به معتقدات مردمان دورانیهای باستانی که به موجودات فوق انسانی و نیروهای پنهانی ایمان داشته اند پایان می یابد و ما را در یک جهان رؤیایی و خیال انگیز می کشاند .

همچنین در تصویر شماره (۷) که آنهم صفحه مدور یک سنجاق و یا گل میخ است تصویر رب النوع شاخداری مشاهده میگردد که با هر دست ماری را گرفته است . این رب النوع گوشهایی همانند گوش گاو دارد و از هر سوی سر وی ، دوشاخ بیرون آمده که در میان دایره ای را که ممکنست تصویر خورشید باشد دربر گرفته اند . پاهای رب النوع نماینده ی کوشش فوق العاده وی برای مغلوب ساختن مارهاست و چهره ی او از هر جهت شباهت به تصویری دارد که در خاطره ها از دیوان بجای مانده است . میدانیم که واژه دیو که امروزه در زبان فرانسه «دیو» Dieu گفته میشود در زبانهای کهن ایرانی «داوا» Daeva بوده و معنی خدا داشته است . این واژه پس از رواج دین های تازه تر (که بحث درباره ی آن از صلاحیت نگارنده خارج است) در زبان ما معنی دیو و اهریمن یافته . در هر حال آنچه در تصویر بالا ملاحظه میگردد بی شک قهرمان شاخدار از شمار خدایان نیکوکار آنروزگار و مورد پرستش مردمان بوده است . دیگر از آثار بی اندازه جالب این مجموعه باز صفحه دایره شکلی است که در تصویر شماره (۸) نشان داده شده و نقش مردی را نشان میدهد که بیک دست شاخ گاو بالدار را گرفته و با دیگری دست مردی را که پای گاو دارد گرفته است . میان آنها چرخشی که شاید مظهر خورشید باشد نقش شده . زیر پای آنان دو حیوان گاو مانند قرار دارد که میان آنها گوساله ای خفته است . در جاهای خالی نقش تصویر ماهی و شکلی دوگ مانند و همچنین گوی های کوچک برجسته طراحی شده است . تألیف بخشهای گوناگون این اثر باندازه ای با مهارت و ذوق فنی انجام گشته که بیننده را متحیر میسازد . با اندکی توجه درمی یابیم

شکل ۶



که هنرمند آگاهانه و یا با خودجوشی موضوع هم گذاری چند شکل را در یک دایره به بهترین صورتی حل کرده است . برای آنکه هم آهنگی نقش میانی با طرح دورمرعات شده باشد اندام پهلوان وسط صفحه بطور روشنی دایره وار طرح شده و تألیف منطقی و خوشایندی را پدید کرده است . در نقش سمت چپ صفحه نیز در بخش جلوی بدن یک گونه انحنای مقعری ترسیم گشته که دایره ی خورشید را بخوبی دربر میگیرد . همچنین پاره ای از بخش های صفحه با خطهای بسیار ریز و نزدیک بهم که بعنوان چین های لباس و یاریزه کاربهای ریش و بال و غیر آن بکار رفته زینت شده و با بخشهای ساده بازی خوشایندی پیدا کرده است . و باز با کمی توجه درمی یابیم که بخشهای خالی صفحه با قسمت های پریمیزان بسیار متعادل طرح ریزی شده و سطح کارچنان تقسیم گشته که هیچ بخشی را زیاده از اندازه خلوت و هیچ قسمتی را بیش از حد پرکار و شلوغ نمی یابیم . با آنکه برداشت کلی بر مبنای قرینه سازی پایه گذاری شده ولی مهارت هنرمند در ایجاد تنوع باندازه ای بوده که در کار وی هرگز خستگی قرینه سازی احساس نمیشود . و هنرمند برای پرهیز از این مشکل ، تمهیدهای شیرینی بکار برده که درخور توجه است . بر حسب مثال سر گاو پائین سمت راست را کمی دورتر از



شکل ۸

شکل ۷



گرانبهای ایران کهن آشنایی یابند و اگر در خیال الهام گیری از هنر تازه هستند سرچشمه اصلی این هنرها که امروز بیش از هر وقت دیگر تازگی و جلوه دارند مراجعه کنند و با بررسی در این آثار دانش هنری خویش را غنی سازند. درست است که اگر امروز کسی یکی از مفرغهای لرستان را بی کم و کاست بسازد هنری نکرده است بلکه تقلیدی بی ارزش بیجا آورده ولی اگر هنرمندی این گنجینه را خوب بشناسد و با نشانه‌های آن آشنایی پیدا کند و به رمز نازک کاریها و هنرمندیهای شگرف این آثار پی برد، بی شک هنگامیکه برای بیان خویشتن خویش که رمز هنرمندی است بکار می‌پردازد دست و روان خویش را سرشار از سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر مییابد که در هر هنگام به‌خوشترین وجهی وی را بکار خواهد آمد.

بهنگام هنرجویی و پژوهش در کارهای هنرمندان گذشته، هدف فرا گرفتن آنچه در گذشته انجام پذیرفته نیست، بلکه نیت اصلی بارور ساختن نیروی پندار و غنی ساختن دانشهای فنی برای پدید کردن جهانی تازه است. همانگونه که بهره‌جویی از فرهنگهای واژه، تنها برای شناختن لغتها نیست بلکه از واژه‌ها برای بیان اندیشه‌هایی که تازگی دارند بهره میگیریم.

لبه دایره ترسیم کرده و پاهای گاو بالدار زیرین را از هم بازتر نقش کرده و در این بخش تصویر یک ماهی را پدید کرده ولی همین صفحه درست چپ بوسیله سر گاو که بزرگتر رسم شد و پاهای مرد سمت چپ و یک گوی کوچک پرگشته است. همچنین است درباره‌ی گویهای پائین صفحه که در یکطرف، شکلی شبیه زنگوله جای آنرا گرفته است.

درباره‌ی این اثر و دیگر کارهای مفرغی لرستان سخن بسیار میتوان گفت و جا دارد که هنر پژوهان و دانشمندان و هنرشناسان ایرانی جنبه‌های گوناگون این آثار را بررسی نمایند تا بتوان هرچه بیشتر به رمز پیدایش هنری که در بیش از سه هزار سال پیش به بالاترین درجه تکامل و تنوع رسیده است پی برد.

از سوی دیگر امروز که هنرمندان بزرگ جهان همگی کوشش خود را در راه یافتن زبان تازه در هنر بکار می‌برند و میکوشند در کارهای خود با توسل به نشانه‌های باریک، مفاهیم تازه‌ای از دریافت خود از جهان پدید کنند و همانگونه که در آغاز این گزارش دیدیم پاره‌ای از آنان در این راه هنر باستانی را باز می‌یابند خوبست هنرمندان ما با آثار بسیار